اعتيادو خانوادهايراني!



سپيدهاكبر پوران

شوهرم همیشــهاز من میخواست تا با ساقی تماس بگیــرم و برای خرید موادمخــدر با او قرار بگذارم شوهرم وخانوادهاش تشويقم مي كردند تا

موادمصرف كنم اوايل براى كاهش دردوبه عنوان ـكن مصرف مي كردم ولى به مرور بيشــتر

شــد...زمانی که پولی برای خرید موادنداشتیم مادرشــوهرم مرا ترغیب می کرد تــا ۱۰ باتوجه به جوان بودنم از توانایی های زنانهام، استفاده کنم و

بون برحمار و علی می دی د. مه مست ممار از ساقی که مردجوانی بود، مواد بگیرم... ۱ هـر گاه گفت و گویــی در مورد اعتیـاد و علت

می شود. بازنمایی آن در رسانه ها مهمانی های مختلط است باوسایل لهوولعب وجوانانی به دور از خانواده که یکدیگر را به دام اعتیاد و راه تباهی

ن نوشـــته حاضر قصد نــدارد نقــش گرومهای

انگشــت اتهام به سمت «دوســ

. e

مىكشُلند

Non

دروغ بهعنوان أسيب مهم اخلاقي -اجتماعي،

زمانى كەبر پيكرە اجتماع واردمى شود، بنيان

جامعه را به هم می ریزد. اگر چه هنوز ظاهر آن پابر جااست و همه به راحتی به روز مرگی خویش ادامه می دهند یکی از پیامدهای اصلی دروغ

فقدان اطمینان است که زمینه بروز بیخیالی در جامعه را فراهم میکند. جامعهای که دروغ به

راحتی در آن رواج پیدا کند، خیانت و گستر ش

بی بندوباری بیز می تواند از آن منشعب شود که خود زمینهای برای شیوع نیرنگ وفریب می شود

و افراد جامعه همدیگر را نیرنگ بازانی می بینند که برای رسیدن به اهداف خویش، دست به هر

ترفنُــدَى مىزنند. جوامعى كهُ به آســيب دروغُ آلوده هســتند، به اين وضع دچارند كه افرادش

سعى در روتوش كردن وزرق وبرق، گفتار خويش

می کند و همه بــه یکدیگر اوعده ســر خرمن می دهند. دروغ جامعه را به تزلزل می کشــاند و

ستون های اجتماعی را که برای برپایی آن، زمان زیادی صرف شده، به سمت نابودی می برد.

اگر دقت کنیم درمی یابیم، جامعه ایده آل،

ىتنابودىمىبرد

ترش آن شــکل می گیرد به طنز یا به جد

ناباب» گرفته

زمينه اعتياد و تباهى اعضاى خود را فراهم كرده

پرانتز

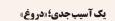
این که چــرا و چطور «کانون گــرم خانواده» به ىر اعتيادو تباهى، تبديل مى، مفصلی استونیاز به مجالی دیگر دارداما آنچه که این جابرای مامهم است، این که چراافکار عمومی و رسانه ها به نقش خانواده در گسترش اعتیاد نمی پردازند! چرا کسی جُرات نمی کند انگشت ىت «خانوادە اتهـام رااز «دوس اب» به س انهام را رسوستعیب بیسید. نابسامان؛ بچرخاند؟انگار همه باهم چشممان را روی این بخش از واقعیت بستهایم. نمی خواهیم باور کنیم که خانواده ایرانی آسیب دیده و مثل بور سیم م موجد برای مسید باید و مسید سابق توان پاسخگویی به نیازهای جامعه راندارد. همهباهم همدست شدهایم در انکار واقعیت، در خودسانســوری و سـکوتی که بپا داشتهایم: سـکوت انکار درد! درد را انــکار میکنیم، چون حاضر نیستیم بپذیریم دچار آسیبیم. درواقع چنان خانواده را در هالهای از قداست و الوهیت پیچیدهایم که حالاناگزیر از انکار دردیم! خانواده راچنان کامل و بیعیبونقص توصیف کردهایم که پذیرش کوچکترین آسیب،لکه ننگی بردامن مقدس آن خواهدبود!

این ماجرا زمانی پیچیده میشود که به فکر راه چاره بیفتیم. حل هر آسیب اجتماعی در گرو مطالعه و شـــناخت عوامل موثر بر آن است. حال آن که مادر اولین پله در ماندهایم: هنوز اصل وجود مسألهرانپذیرفتهایم، چهرسد به مطالعه پیرامون آن! ما با سکوت خود از شناخت و در نتیجه حل عضلاتخانوادهبازمي مانيم وبهدر دهاى خانواده دامن مىزنيسَم! اڭرَبه فكرَ چُارمايسَم اولين قدم، ىكوت است. بياييد بپذيريم كه حال بريم كه خانواده ايراني خوب نيد خانواده هم في مي در گستر شاعتياد دارد!

پىنوشت: »ی ر ۱–قسمتیاز مصاحبه شخصی نگارنده بازنی که دوره درمان اعتیاد خود را به تازگی تمام کر ده بود.

بادداشت







تبروزو ظهور اندیشـــهها و اســـتعدادهای خود را داشته باشند و هر فکر بنا برداشته های خود، به فعالیت بپردازد و دروغ و نیرنگ زمینه ای برای طرد افکار مخالف نباشد زيراما فقط حق داريم كهافكار خود رامستندبيان كنيم وبه هيچ عنوان حق نداريم بهانديشههاى مخالف بر چسب در وغين بزنيم و به أنها توهين كنيم، زيرا أزادي أنديشه حق مسلم همه افراد جامعه است و كسى نبايد اين حق را به تر فندهاى مختلفاز افر أدبر بايد.

عارضه دیگر دروغ، بی اعتباری است که جامعه إبدان مبتلامي كندو تعامل موفقيت آميز را در أَن، منهدم مىسازد. افكارى كُه به دروغ ٱلُودهُ می شوند، منزوی شده و روز به روز همراهان خود رااز دست می دهند چرا که پسته بی مغز چون دهانواکندرسواشود.

بايد تلاش كنيم و ريشــه دروغ را بخشكانيم. نبايد بگذاريم دروغ زمينه شوخي وخندما شود. بايدمواظبباشيم اعتبار سنجى مابه دروغ وابسته نباشدااز دروغ برای پلههای ترقی مان حذر کنیم و از یادمان نبریم که دروغ می تواند یک زندگی را به نابودي كشاند. خلاصه كلام أبن كه بابد يفهمنم برای تثبیت یک فکر واندیشه، باید صداقت را در أُسهر موجودي آن قُرار داد تاجاودانه شود.



اشتغالزایی توسط صنعت گردشگری، بهانه تخریب فرهنگ و محیطز یست کشور شده اس

آبدركوزهوماتشنهليان



ـت آهن تفته کردن خمیر / به از دست بر نەپىشامىر

۔ اتفاقات چند هفته گذشته در عر صه محیط; نست کشــور-بهۗويژه تلاش براي واڰُذارَي جزيرَه آشَّوراده به شـركتر خصوصی-فرصتی برای فرهیختگان کشـور فراهم کرد تا ادعاهای مدافعان "توسـعه لجـام گسـیخته را بازنگـری کننـد در خـلال مقالهها، گزارشها و فیلمهای تهیهشده توسط دلسوزان کشُـوردر این مدت، به خوبی عیان شد که نوسمعهمحوري جز ثروتاندوزي اقليتي نوكيسه، ، ید محیطز یست و انحطاط فر هنگی . نخریب شـــد ۔ حاصلے دیگر ندار د.

حسیی بیرسارد یکی از ادعاهای سرمایه گذاران چنین طرحهایی، اشتغال زایی است. از آن جا که چنین چیزی کمتر مورد نقدقرار گرفته است، نگارنده بر آن شد که ضمن بررسی آن به ارایه راهکارهای جایگزین ومناس ببراى اشتغال بيردازد.

به يادمي آورم زماني را كه براي خريد صنايع د ه همراه گردشگرانی ایرانی- که بسیاری از آنان ساکن خارج از کشور بودند-در یکی از شهرهای تر کمن نشین ایران به مغازمای که متخصص این کار بود رجوع کردم. مت زیادی از تولیدات دستی آن جا نه سیاخت تر کمن های ایرانی بلکه محصول زنان تر کمن جمهوری تر کمنستان بود.وقتی علت آن را پر سیدم با پاسخی ر با این از بر کی محکور ہوتا ہے۔ عجیب مواجه شــدم: دختران و زنان تر کمن کشور مان دیگر مانند گذشــته وقت برای ســاخت صنایع دستی نمی گذارند چون بــرای آنها به صرفه نیســـتا چگونه است که این کار برای وی به در است که این کار برای زنان جمهوری تر کمنســتان – با همــان زبان و آداب و با فاصلــه ای نزدیک در آن طرف مرز-به صرّفه است اماً برای تر کمن های هموطن مان چنین نیست؟ این معضلی است که نه تنها گریبان گیر بانوان تر کمن ایرانی شــده است بلکه بسیاری از جوانان بسون بر عمل برای مست مست بسیاری را بوس کشــورمان-اعم از زن ومرد-با مشکلاتی مشابه روبهرو هستند. بهراستی طی سال های گذشته چه شده است مسمد، براسی می سانهی مست یا که بفرغم وجود بازار و مشتری برای سیاری از تولیدا مردم کشورهای-از صنایع دستی گرفته نامحمولات کشاورزی- تعدادی از تولیدکنندگان سنتی ترجیح می معند بیکار باشند و ناچار در آمدی نداشته باشند تا این که کار کنندو در آمدی -از کم تامتوسط -بعدست آورند؟ پاسخ این سوال در سبک زندگی جدیدی است که بر خود تحمیل کردهایم این نمونه ای از همان سبک زندگی جُهانی است که طبق آن افراد کار را - و در واقع مولد بودن را – دارای ارزش ذاتی ندانسته و در پی راحت مولد بودن را–دارای ارزش ذاتی ندان طلبے ، هستند در این سبک زندگی، انسان ها پر مصرف و سبی مستند از پی سب از علی مسی پر میر در پر هزینه هستندولذادر آمدهای عادی کفاف هزینههای آنهارا نمی دهد. طرفه اینجاست که چنین افرادی حتی در زمان بیکاری از هزینه های خود نمی کاهندو به هر طریقی در پی تأمین هزینه های خود هستنداز قبیل دریافت وام، استقراض، خرید نسبیه و حتی متأسفانه مشاغل كاذبي ماننددلالي و...فعاليتهاي . فلی کاذب در کنار شــغلاصلی یا در زمان بیکاری، یکی از کارهای م در از مان ما است که در دوردهایی بسیار پر رونق می نماید و البته در پـــ آن رونق ظاهری بار کود مواجه ی شوند. بســیارند که با خرید و فروش ارز، سکه، طلا، ئوشی همراه، خودرو و مانند آنها، به جبران هزینه های تودمی بر دارند والبته ضر، های هنگفت هممی دهند که موع فردرابیش از پیش غرق در بدهی و فشار مالی ىىكىددريغاز عبرتا

بم مدعيان اشـــتغال زايي از اين وانفساي تال ب

نههای بالای غیرضروری جامعه و کمبود در آمد ونه اســـتفاده – و درواقع سوءاستفاده – می کنند. . سبک زندگی جدید بهتر ین فرصت را برای حریصان فراهم می کند تا با استخدام ظاهری افراد – در حالی که هيچ تضميني براي ادامه كاروجـودندارد-اُنان را در چرخه معیوب حقوق ماهیانه، اخذوام، خرید قسطی و... گرفت ار کند بــه گونه ای که فــرد متوجه چنین گرفتاری عظیمی نشود و آن را در زندگی عادی صور کند. در ادامه این زندگی پرفشار، بروز انواع يمارىهاى جسمى وروانى بسيار متداول بوده والبته آن را نیز با وعده بیم در مانی عادی جلوه می دهند! گویا اصولا انسان زاده شده که بیمار شودو تا آخر عمر در گیر درمان و بیمه در مانی باشد! در حالی که اصل بر پیشگیری است و سبک زندگی مصرفی باعث بروز انفحار ا گونه سمار ی هاست که البته خود این برای تاجران درمان مردم فرصتی مغتنم است! معایب و عـوارض اشــتغال زاییهـای جدید در

جهان عمومی بودو در کشــور ما سال هاست که در شهر های بزرگ و متوسط رو به گسترش است. اکنون سهر دی برر خود بر سرویه به سرخان سخت ورا این عــوارض در حــال رخنه به شــهرهای کوچک و متاسفانه مناطق روستایی و عشایری است. همچنان که گفته شــداز آن جا که ســبک زندگی مصرفی از قبل به روســتاهاي مانيز راه پيدا كرده اس برای استخدام بیکاران جدید برای پروژههای بزرگ سُیار فراهم است. بُسیاری از سُرمایهُ گذاران با شُعار شــتغال زایی به اطراف و اکناف کشور نفوذ می کنند تا با راماندازی کار خانهها، حادمسیازی ، سدسیازی ، پروژه های گردشگری و .. به استخدام کارگران ساده از میان روســـتاییان بیردازند و بدیـــن تر تیب ضمن پرداخت حقوق هایی اندک – والبته موقتی – بر ســر ملت و دولت منــت بگذارند که اشــتغال زایی ایجاد کردهاندا از رهگذر چنیــن فعالیتـهایی، آنچه از بین میرود طبیعت و فرهنگ کشــورمان است.با از بین ۭفتن هنر ساختصنايع دستى، ديگر جايگزيني براي آن نمی توان یافت. برای توانایی کشاورزی و دامداری بدیلی نمی توان پیداکرد.

ی از فعالیتھای شـغلی جدیدی کــه ظاهرا یسی از سیسی است ی بینیدی سیسی بینیدی سیسی ظرفیت بالایی در اشتغالزایی دارد صنعت گردشگری، است. در این جا منظور مـا از صنعت گردشـگری، فعالیت گردشگری انبوه است که با تعداد بسیار زیاد گردشگرانی که جابه جا می کند، یکی از سنگین ترین فشُــارها را بر کرهزمین تحمیل می کند. این صنعت بهدلیل اســـتفاده از منابع طبیعــی و فرهنگی دنیا به شدت مخرب محسوب است. از جهت ایجاد اشتغال، گردشگری به شدت تمایل به ایجاد مشاغل خدماتی غیرمولد دارد به گونهای که واسطه گری از مشخصات فعالان این حرفه است. وقتی پای گردشگری انبوه به قسمتی از زمین باز میشـود، نهتنها میراث فرهنگی



و طبیعی آنجا در معرض تهدید قرار می گیرد بلکه مشاغل اصیل منطقه نیز نابود می شوند. معدودی از مشاغل سنتی تولیدی و هنرُ یای که ظاهرا صُنعت گردشگری از آنهااستفاده می کند، به سرعت اصالت . ترام الت خىودرالز دسىت مىدهندو تبديل بىه فعاليتهاى نمایشی بی اصالت می شوند. فعالان صنعت گردشگری بهدلیل دور ماندن از فعالیت های مولد، وابستگی اً ... شــدیدی به کارهای واسـطه گری پیدا می کنند. در عین گسترد گی این صنعت، منافع مادی آن – بهویژه ر سرمایه گذاریهای کلان-عمدتا به شرکتهای بزرگرسيدهو كارمندان اين سي ستموابسته به حقوق مقرری (با همان چرخه معیوب ذکر شده استخدامی که ذُکر شد) پرورش پَیدامی کُنند.این خطری است که امروز مناطق روستایی و عشایری و همچنین شهرهای کرر کرر دیر میکند. به جای تشویق به حفظ مشاغل مستقل و اصیل تولیدی و هنری جوانان روستایی مارا تشویق به استخدام در شرکتهای بزرگ وازجمله اقامتگاه های گردشگری عظیم می کنند تا به عنوان کارگرانی ساده و وابسته به جیره ماهیانه بار یندومصرفگراییرونق،بیشتری،بابد. جایگزین صنعت گردشگری (گردشـگری انبوه)، ۔ سابتد چند نوع فعالیت مشابه گر دشگری است که مجموعا

به آنها گردشــگری پایدار می گوینــداگرچه کمتر در دنیا به واقع گردشــگری پایدار را عملا پیاده کردهاند. اكنون زماني است كه با استقاده از تجارب متُبت و منفی جهانی و بهویژه با استفاده از س ۔ نای اصیل يرانى، بر افسسانه در آمدزايي و اشستغال زايي صنعت _ ر ابطلان کشیدہوم ار ای از . فردشگری در کشورمان خط با شرايط كشــورمان فعاليتهاى مناسـب را بيابيم. یکی از تجارب با ارزش قابل اســـــفاده، اگروتوریســم (گردشگری کشاورزی) است. بهوسیله اگروتوریسم، ر برخستری صورری میکرد و بید مروریسه مردم سوییس در مدت کوتاهی توانستند تعداد بسیار زیادی از روستاهای متروکه خود را احیا کنند که این کار منجر بهباز گشت فعالیت های کشاورزی ودامداری

به این روستاها شد. اگروتوریسم نیاز به سرمایه گذاری خارج از خود روستاها نداشته و درواقع با سرمایههای کوچک خود روستاییان قابل اجراست. فرق عمده اگروتوریسم(گردشتگری کشاورزی) با گردشگری روستایی این است که در اگروتوریسم هدف حفظ رو سی کی ۔ نولیدات اصیل روستایی (کشاورزی، دامداری، صنایع دســـتی، فعالیتهای هنری، ورزش های بومی و ...) با دستی، معایت می سرد. در را با باری می این کمک گردشگران است اما در گردشگری روستایی صرفا تفریح غیر مولد گردشگران در مناطق روستایی موردنظر است. شرکت گردشگران در مراحل مختلف سولات کشُــاُورزی یکی از مثال های جالب از این نوع فعالیت هاست که طی آن داخت هزينه هـــاي اقامت، غذا، گ دشـــگان ضم نفريح و حمل ونقل خود، به كشــاور زان براي كاشـــــ:

خريدارى مى كَنْنُد بدين طَرِيــقَ بەارزُشُ زَمَين و آَبَ پى مى برند و غذايى ســالم را كە بە زحمت خود تهيە کردهانــد،قدر میداننــد. چنین بود که در گذشــته، کسے به نان بی احترامی نمی کرد چون میدانستند که باچه سختیای بهدست آمده است. اگروتوریسم نەتنىھارزشاقتصادىمتوسطىبراىمناطقروستايے نەتنىھاارزىق اقتصادى مىوسطىبرى مىنحى روسىيى كشــور دارد بلكە ارزش آموزشى بســيار بالايى براى آحاد جامعە خواھد داشت. چنين آموزش ھايى ضمن داشتن جنبه تفریحی وورزشی، به فرزندان این کشور ارزش کار وقناعت رامی آموزد و آنان رااز مصرف گرایی برُهیز می ُدهد. درواقع اگرو توریســــم نوعی از فعالیت گردشگری است که فرع بر تولیدات روستایی است و کمکی برای آن محسوب می شود. اگروتوریسم باید ستنی بر فعالیتهای کشاورزی و دامـداری پایدار باشد تا ارزش حفاظتى و آموزشى بالايى داشته باشد بدین تر تیب که باید متکی بر تولید محصولات غذایی سالم (ارگانیک) باشد؛ محصولاتی که از کود و سموم شــیمیایی اســـتفاده نکرده و به جای آن از روش های بیولوژیک تقویت خاک ومبارزه با آفات -که در فرهنگ کشــاور زی ایران چندهزار ســال قدمــت دار د –بهر ه می گیرنداز مهم ترین شرایط کشاورزی پایدار در زمان ما، عدم اســــتفاده از بذرهای دست کاری شده ژنتیک (بذرهای تراریخته!؟) است که به شدت برای سلامتے ـــتمهای کره زمین خطرناک ه شر و اکوسیہ همحنين توجه جدى بهمنابع تأمين سنتى ويابدار آب مانندقناتهااز شرايط مهماگروتوريسمدر ايران است كهبه تدريج بايداحياشوند.بايددانست كه كشاورزي و دامداری در ایران قدمتی به بلندای تاریخ دارد. ایرانیان بسیاری از بذرهای وحشی رااهلی کرده و به دنیا معرفی کردهاند که در رأس آنها گندم وجوقرار دارند.همچنین بســیاری از دامهای اهلیشــده در دنیا حاصل تلاش

چندهزار سالهایر انیار است. . درواقع تأمین غذای دنیا، مدیون فرهنگ و ســنت نشــاورزی و دامداری گذشــته ایران است. متاسفانه کشاورزی و دامداری صنعتی، به شدت فرهنگ و سنت کشاورزی ما و درواقع سلامت مردم و محیطزیست را تهدید می کند از مهمترین روش های گذشتگان ما در پ - ی کی روپار ریار کی کر مفظ سلامتی انسان ومحیط خود،مصرف کنترل شده غذا بود که بدین تر تیب هـــم هزینه های خود را پایین می آوردند و هم از فُشَــار بر زمین پرهیــز می کردند. همچنین داشتن تنوع غذایی بالابر اساس طب سنتی ایرانی از دیگر مشخصات اصلی زندگی گذشتگان بود. در اگروتوریسم مناسب کشــورمان، باید کشاورزی و دامداری اصیل ایران به درســتی و با جامعیت معرفی شده و تمرین شــود. حال در می بابیم که اشتغال زایی واقعی تنهــا در ســایه کار و تولید واقعــی در مناطق وستایی، عشـایری و شــهرهای کوچک کشورمان ىمكناس

ی حفظشان انسانی ملت مااقتضامی کند که از بیگاری کشیدن جوانان روستایی عزیزمان توسط کار خانجان و شرکتهای بزرگ خدمانی – و از جمله شرکتهای اقامتی و تفریحی گردشگری –به اسم اشتغال زایی ایراز ان جار کنیم و ممگان را از خطر انتوسه انجام گسیخته ^یگاه کنیم. تعظیـــم در برابر حریصــان و متجاوزان به فرهنگ وطبیعت کشورمان که به تزویر نام سرمایه گذار بر خود نهاده اند، نابودی شرافت مردم ما را در پی دارد. . جوانان ما باید به ارزش کار و تولید واقعی پی ببرند و از زندگی مصرفی پرهیز کنند.اشتغالزایی یعنی احیای سنتهاى اصيل شغلى مان بادر نظر گرفتن مقتضيات زمانما.

ت آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم / یار در خانه و ماگردجُهانَمی گردیم

توسط دوستان خود به سمت موادمخدر اكشيده می شـوند. اما آن چیـزی که هُمـواره از نظرها ینهان می ماند، نقسش خانواده افسراد در اعتیاد پنهان می ماند، نقسش خانواده افسراد در اعتیاد آًنها به موادمخدر است. وقتّـى صفّحه حوادتُ روزنامهها را باز مىكنيــم و مصاحبه معتادان را رورد به در بایی سیمهارو سه به مصری از آنها می خوانیم، می بینیم که تعداد قابل توجهها از آنها به نقش خانواده خود اشاره می کنند. محفل های پر دود و دم بزرگترها، نشتگی ها و کتک کاری ها،

جور می کرد، زن هایی که بعداز نامیدی از طلاق هم پیاله های شوهران خود شدهاندواخیر امادرانی

دوسُتی را در گُسترش اعْتیاد انـکار کُند بر همگان واضح اسـت که چه تعداد زیادی از افراد یا برداشت محصول کمک میکنند و بهویژه این که بر مصولات آنان را مستقيما-و نــه از طريق دلالان-محصولات آنان را مستقيما-و نــه از طريق دلالان-پر در در ۱۰٫۹ رو ورود به شبکه دادوســـتد موادمخدر توسط پدر، دخترهایی که فروش تنشان، پول مواد خانواده را